

به نام خدای مهربان



• برای دریافت جدیدترین امتحانات نهایی این رمزینه رو اسکن کن.



مقدمه

به نام خدایی که در این نزدیکی است.

دانش‌آموزان عزیز و همکاران فرهیخته، سلام

در سال‌های اخیر و به‌ویژه در امتحان نهایی خردادماه ۱۴۰۳ انگلیسی یازدهم، سؤالات مفهومی بسیاری طراحی شده بود؛ این بدین معناست که با زمان کم نمی‌شود به نمره بیست رسید و این امر مستلزم یک برنامه منظم و مستمر برای مطالعه است. مهم‌ترین ویژگی این کتاب منطبق بودن آن با تدریس همکاران عزیز و آموزش تدریجی همه مطالب براساس طرح درس سالانه وزارت آموزش و پرورش است. برای سهولت در مطالعه مستمر، کتاب پرسؤال به چهار بخش تقسیم شده تا هم دانش‌آموزان عزیز زمان لازم را برای مطالعه هر بخش داشته باشند و هم دچار استرس نشوند. اینجانب با مطالعه اکثر کتاب‌های موجود در بازار سعی کرده‌ام با احترام به رقبا (رفقا) بهترین‌ها را برای شما عزیزان فراهم کنم تا وقت و هزینه شما را تلف نکرده باشم (ان شاءالله).

ساختار کتاب کتاب **بیست‌پک** به این نیت نوشته شده که تمام نیازهای شما دانش‌آموزان عزیز را برای گرفتن نمره خوب در امتحان نهایی برطرف کند. با اطمینان می‌گوییم که هیچ نکته‌ای در امتحان نهایی مطرح نشده مگر اینکه ما هم در این کتاب به آن پرداخته‌ایم. تعداد زیاد سؤالات شبیه‌ساز ما گواهی بر این ادعای ماست.

کتاب پرسؤال بخش اول:



Title Page , Get Ready , Conversation

در این بخش علاوه بر لیست کامل واژگان و هماینها، سؤالات متنوعی مانند پر کردن جاهای خالی، سؤال تصویری، تعاریف واژگان، چهارگزینه‌ای و تمرینات ویژه کلمات هم‌نشین (collocation) آمده است. این بخش و سایر بخش‌ها شامل خط به خط کتاب درسی و سؤالات تألیفی و امتحانات نهایی سال‌های گذشته می‌شود. تسلط بر این بخش در هر سه درس کتاب، ۶ نمره (۱۵ درصد) امتحانات نهایی را پوشش می‌دهد.

بخش دوم:



New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

بعد از مطالعه بخش واژگان و هماینها، سؤالات این بخش را مشاهده می‌کنید که شامل انواع تیپ‌های سوال‌ها مانند پر کردن جاهای خالی جملات، تمرینات ویژه هماینها، سؤالات تصویری واژگان، سؤالات چهارگزینه‌ای، متن کتاب درسی با ترجمه و تمرینات متنوع آن می‌باشد. فراموش نکنید که حدود ۱۶ نمره از ۴۰ نمره امتحان نهایی به همین بخش تعلق دارد، یعنی ۴۲/۵ درصد سؤالات. به‌علاوه حتی از متن درس‌ها هم سؤالات شنیداری داده می‌شود.

بخش سوم:



Grammar, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

برای انجام تمرینات این بخش ابتدا لازم است واژگان بخش تمرین شود، چون عمده مشکلات بخش گرامر، ناشی از ضعف در دامنه واژگان است. این بخش ۲۴ نمره دارد، یعنی ۶۰ درصد سؤالات را تشکیل می‌دهد. این ۲۴ نمره شامل ۷ نمره گرامر، ۹ نمره بخش شنیداری و ۸ نمره بخش نگارش است.

بخش چهارم:

این بخش شامل متن کتاب کار و تمرینات مهم و کاربردی آن است که برای امتحانات نهایی مهم است. در امتحانات نهایی در طراحی سؤالات واژگان، گرامر، درک مطلب و شنیداری از کتاب کار استفاده می‌شود. در ضمن متون کتاب کار سخت‌تر از کتاب دانش‌آموز است، پس بادقت و موشکافانه آن‌ها را بخوانید. برای بیست گرفتن حتماً باید به مطالب کتاب کار مسلط باشید.

کتاب کاربرگ امتحانی -۱ آزمون‌های درسی: آزمون‌های درسی را به سبک و سیاق امتحان نهایی طراحی کردم؛ همچنین سعی کرده‌ام تمام نکات مهم و امتحان‌خیز هر درس، در قالب این آزمون‌ها بیاید. بنابراین پس از خواندن هر درس، یک امتحان نهایی در حد همان درس در انتظارتان است.

۲- **آزمون‌های جامع:** پس از آزمون‌های درس به درس، شش آزمون جامع قرار داده‌ایم. این شش آزمون شامل دو آزمون تألیفی برای نیم‌سال اول، دو آزمون تألیفی شبیه‌ساز نهایی برای نوبت دوم، یک آزمون شبه‌نهایی ۱۴۰۳ و امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۳ است. حتماً پس از مطالعه کل کتاب به این آزمون‌ها بپردازید.

خلاصه کپسولی با هدف جمع‌بندی، یک دفترچه کاربردی و موضوعی، ضمیمه کتاب قرار داده شده؛ موضوعات این دفترچه کار راه‌انداز شب امتحانی، موارد مهم و مروری با محوریت لغات و گرامر است.

سپاسگده

و در خاتمه وظیفه خود می‌دانم از افرادی که در آماده شدن این کتاب همراه من بوده‌اند، نهایت تشکر و قدردانی را داشته باشم. ابتدا خداوند بزرگ را شاکرم که توفیق این خدمت ناچیز فرهنگی را به من عطا فرمود تا به اندازه یک اپسیلون در موفقیت فرزندان این مرز گام بردارم و در شادی موفقیت‌هایشان سهیم باشم.

جناب آقای احمد اختیاری مدیرعامل انتشارات مهرماه که همیشه با راهنمایی‌هایشان باعث دلگرمی من بودند. جناب آقای امیر محمدبیگی مدیر تألیف خستگی‌ناپذیر و خیلی کاربلد پروژه که از ایده‌هایشان در پربار شدن این اثر استفاده شده است. ایشان در کارشان بسیار جدی هستند و همراه بودنشان را ارج می‌نهم.

دوست عزیز و برادر بزرگووارم جناب استاد مهدی احمدی مدیر دپارتمان زبان انتشارات مهرماه که حضورم را در مجموعه وزین مهرماه مدیون ایشان هستم و تنها دوستی هستند که همیشه می‌توان روی دوستی‌اش حساب کرد.

دوست و استاد ارجمندم جناب آقای بهرام دستگیری (مؤلف بیش از ۴۰ عنوان کتاب کمک درسی) که در ویرایش کتاب‌ها همیشه کمک کار من بودند. ایشان یکی از بهترین‌های زبان ایران و استان اردبیل هستند.

تشکر ویژه‌ای دارم از سرکار خانم مهشید بشیری بابت تقبل تمام زحمات و پیگیری کارها؛ همراهی ایشان موهبت بزرگی است.

و از دانش‌آموز خوبم آقای مهدی نوری که در بخش میکس فایل‌های شنیداری بسیار کمک حالم بودند نهایت تشکر را دارم.

در پایان از همه دانش‌آموزان عزیز و همکاران فرهیخته تقاضا دارم با ارسال نظرات و پیشنهادات سازنده از طریق روابط عمومی انتشارات مهرماه به سامانه ۹۶۸۸۴ ما را در هرچه بهتر شدن این کتاب یاری فرمایند.

علی عاشوری

Telegram:@ashooryzaban

با سپاس فراوان از استادان گرامی که بازخوانی نهایی کتاب را انجام دادند؛

- سرکار خانم مریم پرویزی از تهران
- سرکار خانم شکبیا اسماعیلی از تهران
- سرکار خانم دکتر زهرا براتی سرگروه محترم منطقه ۱۴ تهران
- سرکار خانم فاطمه مرادیان‌فر از شهرکرد
- سرکار خانم فاطمه عصیری از سمنان
- استاد بهرام دستگیری از اردبیل
- سرکار خانم مهدیه حامی از تهران

جدول اختصارات استفاده شده در کتاب

اختصار	کلمه	معنی
v.	verb	فعل
n.	noun	اسم
adv.	adverb	قید
adj.	adjective	صفت
prep.	preposition	حرف اضافه
col.	collocation	هم‌نشین، هم‌ایند
phr.v	phrasal verb	فعل دوکلمه‌ای
expr.	expression	اصطلاح
conj.	conjunction	حرف ربط

فهرست

درس ۱:

Understanding People

Title Page, Get Ready, Conversation

۸	لغات
۱۴	سؤالات امتحانی
۷۶	پاسخنامه

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۹	لغات
۱۶	سؤالات امتحانی
۷۶	پاسخنامه

Grammar, See Also, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

۱۰	لغات
۱۱	دستور زبان
۲۰	سؤالات امتحانی
۷۹	پاسخنامه
۲۶	کتاب کار

درس ۲:

A Healthy Lifestyle

Title Page, Get Ready, Conversation

۳۰	لغات
۴۰	سؤالات امتحانی
۸۴	پاسخنامه

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۳۱	لغات
۴۲	سؤالات امتحانی
۸۵	پاسخنامه

Grammar, See Also, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

۳۲	لغات
۳۳	دستور زبان
۴۷	سؤالات امتحانی
۸۸	پاسخنامه
۵۲	کتاب کار

درس ۳:

Art and Culture

۵۵



Title Page, Get Ready, Conversation

۵۶	لغات
۶۲	سؤالات امتحانی
۹۳	پاسخنامه

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

۵۷	لغات
۶۴	سؤالات امتحانی
۹۴	پاسخنامه

Grammar, See Also, Listening and Speaking, Writing, What You Learned

۵۸	لغات
۵۹	دستور زبان
۶۸	سؤالات امتحانی
۹۶	پاسخنامه
۷۳	کتاب کار

پیوست



Word Family

۱۰۴	افعال
۱۰۹	

۱۰۳

امتحان

Exam Questions

سوالات امتحان

Title Page, Get Ready, Conversation

در هر بخش جاهای خالی را با کلمات داده شده کامل کنید. (در هر بخش یک کلمه اضافی است.)

(country / fact / interesting / languages / sign / understand / written)

1. There are about 7000 _____ in the world.
2. It is a(n) _____ that the earth goes around the sun.
3. What language is spoken in this Asian _____?
4. It is _____ to know what he really believed.
5. Most languages of the world have no _____ form.
6. There are many words in this lesson. I can't _____ it.

(choose / circle / communicate / deaf / die / familiar / look at)

7. Did his father _____ at an early age?
8. A person who can't hear well is called "_____".
9. Sign language is used to _____ by deaf people.
10. She asked me to _____ her while she was talking to me.
11. Are you _____ with any of the people standing over there?
12. It was difficult to _____ which teacher was the best in our high school.

(above / danger / expressions / circle / parking / sign / turn off)

13. The _____ says, "Danger! Rocks falling!"
14. _____ your mobile phone when you are on the plane.
15. Do you know the meaning of any of these _____ or not?
16. Do you know any of the _____ languages on the map?
17. Did you find a good _____ lot when you were shopping?
18. The teacher asked us to _____ the proper nouns in the passage.

(activity / frequently / keep off / number / practice / quiet / swim)

19. Please be _____ or I will send you out.
20. You should repeat these words _____.
21. Don't _____ in this part of the river. It is very deep.
22. Can you _____ your favorite foods from one to five?
23. Children were asked repeatedly in the park to _____ the grass.
24. Walking is the only _____ that the old people are interested in.

(besides / foreign / exercise / experience / movies / news / surf)

25. Listening to the _____ takes a lot of my time.
26. If you want to learn English better, watch more _____.
27. I have gained useful _____ from doing that job for years.
28. You can _____ the net to find the information you are looking for.
29. _____ my mother tongue, Persian, I know English, French and Russian well.
30. Learning a(n) _____ language helps you be familiar with the cultures of other countries.



۲ در هر بخش با توجه به تصاویر داده شده، جملات را بخوانید و جمله مناسب هر تصویر را انتخاب کنید. (در بخش جملات یک جمله اضافه است.)



- a) There is a parking lot around.
- b) Turn off your mobile phone.
- c) Please be quiet.
- d) Keep off the grass.
- e) You are near a restaurant.
- f) Do not swim here.

۳ برای هر تعریف داده شده در ستون A یک کلمه از ستون B پیدا کنید. (در ستون B یک کلمه اضافی است.)

A	B
36. ready to be used	a) extra
37. not live any longer	b) deaf
38. happening very often	c) frequent
39. more than what you need	d) foreigner
40. a person who can't hear well	e) point
41. a person who comes from another country	f) available
	g) die

۴ مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

42. She went to a language _____ to learn English.
- a) institute b) place c) world d) country
43. I can't _____ believe we are going to Shiraz next week.
- a) finally b) hardly c) fluently d) really
44. My _____ football team is Barcelona. What about you?
- a) national b) favorite c) interested d) possible
45. His future actions will certainly be of high _____ to everybody.
- a) interest b) attention c) relation d) vacation
46. They _____ us to their party, but they didn't behave politely.
- a) welcomed b) explained c) invited d) discovered
47. I can't use this mobile phone. I am not _____ with it at the moment.
- a) popular b) suitable c) different d) familiar
48. I think answering _____ questions is more difficult than the written ones.
- a) oral b) exact c) honest d) quick
49. Children go to school at the _____ of seven, and finish it when they are 18.
- a) plan b) idea c) age d) job
50. Everyone at some point has had to worry about what to wear for a job _____.
- a) knowledge b) possibility c) difference d) interview
51. Is there anywhere _____ we can go to talk in private. I don't want anybody to hear what I want to say.
- a) quiet b) patient c) ancient d) actual



جاهای خالی را با دانش زبان خود کامل کنید. (حرف اول کلمه و تعداد حروف هر کلمه داده شده است.)

52. Persian I - - - - - is spoken in Iran.
53. I don't know him. He seems to be a f - - - - - .
54. We must complete a w - - - - - form before the interview.
55. My father is not a - - - - - at the moment. He is at work.
56. Do you know how many countries there are in the w - - - - ?
57. I can't h - - - clearly. Please speak louder as much as possible.
58. Do you pay attention to traffic s - - - - while driving your own car.
59. They were eating lunch at a good r - - - - - in this part of the city.
60. I am busy writing books besides teaching English in different i - - - - - in Tehran.
61. Today I am going to h - - - one of my close friends in Spinas Hotel on Keshavarz Boulevard.

New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

در هر بخش جاهای خالی را با کلمات داده شده کامل کنید. (در هر بخش، یک کلمه اضافی است.)

(begin / continent / exists / meet / percent / popular / region)

62. Europe is the greenest _____ in the world.
63. Farmers grow rice and vegetables in this farming _____ .
64. By means of a good dictionary, students can _____ their needs.
65. Today more than 70 _____ of Iranian people live in big cities.
66. Do you really believe that life _____ on other planets such as Mars?
67. Do you know which Iranian football team is _____ among Iranian teenagers?

(ability / different / group / population / skill / society / vary)

68. In some cities, prices _____ from shop to shop.
69. The child's _____ in reading is wonderful for his age.
70. We should respect the social values of the _____ we live in.
71. These two houses are not the same. They are _____ from each other.
72. Reza: Which blood _____ do you belong to? Amin: I don't know exactly.
73. Do you have the _____ to speak any other languages besides your mother tongue?

(despite / knowledge / international / matter / native / population / valuable)

74. China makes up 18% of the world's _____ .
75. I enjoy the weekend, _____ the bad weather.
76. All languages are really _____ , despite their differences.
77. People exchange _____ , beliefs, wishes, and feelings through it.
78. Did you know that English has fewer _____ speakers than Chinese language?
79. We should respect all languages, no _____ how different they are and how many speakers they have.

(across / clear / follow / number / sentence / specific)

80. We should _____ several steps to scan a passage skillfully.
81. To scan a passage well, move your eyes quickly _____ the text.
82. The writing on the old book was not _____ . We could not read it.
83. Which continent has the largest _____ of languages in the world?
84. You can scan a reading passage to look for and find _____ information.
85. When you find the information, stop, read the _____ and mark the information.



Collocations

در هر بخش با توجه به تصاویر داده شده، جملات را بخوانید و جمله مناسب را برای هر تصویر انتخاب کنید.

86 	87 	88 	89 
90 	91 	92 	93 
94 	95 	96 	

- Does water really exist on Mars?
- Imagine you are traveling in space.
- Spanish is Diego's native language.
- Rice is the most popular food in Iran.
- Dictionary prices range from \$5 to \$15.
- Asia is the largest continent of the world.
- We are living in the twenty-first century.
- Today, less than 40 percent of people live in villages.
- Mazandaran is one of the best farming regions of Iran.
- Our teacher tried to explain the new word by means of sign language.
- Scientists say that by 2050, wind power can meet the needs of the world.

برای هر کلمه یا عبارت داده شده در سؤال کلمه یا عبارت مناسب با آن را از بین کلمات یا عبارات زیر پیدا کنید.
(ability / despite / exist / make up / language / society / synonyms / vary)

- continue to live
- a means for communication
- words with similar meanings
- without taking any notice of
- to be different from each other
- to form a thing, amount or number
- a large group of people who live together
- the physical or mental power or skill to do something

با توجه به تصاویر کلمات مترادف را زیر تصویر که به آن تعلق دارند بنویسید.

(small / powerful / quick / strong / fast / tiny / simple / easy)

			
105.	107.	109.	111.
106.	108.	110.	112.

۱۰ کدام کلمه از نظر معنی ربطی به دو کلمه دیگر ندارد؟

113. amazing / probable / wonderful
 114. seek / search for / exercise
 115. quit / live / give up
 116. fortunately / luckily / really
 117. right / correct / false
 118. actually / quickly / rapidly
 119. start / begin / end
 120. absolutely / completely / mentally
 121. differ / enjoy / vary
 122. surprising / amazing / popular

۱۱ مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

123. I can hear a _____ voice in the next room. I think it is my mother's.
 a) familiar b) careful c) correct d) foreign
124. The company's _____ is uncertain. We don't know much about it.
 a) percent b) interview c) future d) learner
125. The US is one of the richest _____ in the world. Don't compare it with other countries.
 a) languages b) cultures c) capitals d) nations
126. I'll help you, no _____ what happens. You are of great value to me.
 a) power b) matter c) point d) respect
127. Scientists are _____ on the causes of that strange disease in the region.
 a) researching b) translating c) understanding d) imagining
128. Teachers should try to vary the activities to _____ the needs of all students.
 a) see b) watch c) meet d) notice
129. There are four _____ for learning any foreign language: listening, speaking, reading and writing.
 a) slices b) songs c) skills d) societies
130. Nasrin was not _____ dressed for the party, so the host was not very friendly to her.
 a) suitably b) exactly c) really d) strongly
131. Don't stand on the chair. It is not _____ enough to bear your weight.
 a) hard b) strong c) simple d) quick
132. Jack asked Mary if there was any _____ song that he wanted to listen to.
 a) mental b) honest c) popular d) physical
133. The pilot tried to _____ with them before the crash but he couldn't.
 a) communicate b) broadcast c) exchange d) belong
134. It was _____ dark when we arrived in the village.
 a) forming b) causing c) making d) growing
135. Learning synonyms is a good way to _____ our vocabulary.
 a) locate b) develop c) welcome d) exist
136. When a language has no speaker, it _____ out.
 a) grows b) goes c) dies d) makes
137. The teacher asked us to _____ the passage and answer the following questions.
 a) scan b) range c) turn off d) keep off
138. It is impossible to _____ the world without language.
 a) mark b) imagine c) start d) excuse

139. Many people in the world learn English as a(n) language.
 a) historical b) successful c) different d) international
140. I had a bad when I didn't understand what the tourist asked me in English.
 a) feeling b) region c) speaker d) emotion
141. Using sign language is a of communication for deaf people.
 a) number b) range c) system d) word
142. The bad is causing a lot of problems for the farmers in some parts of our country.
 a) population b) weather c) power d) society
143. Planes can the dangers by means of radars.
 a) keep off b) turn off c) make up d) look for
144. Body movement is a/an of communication; it is in fact the unspoken element of communication. (خارج انسانی ۱۳۹۸)
 a) origin b) result c) means d) synonym
145. Many parents feel that in some way they can offer a more education at home. (ریاضی ۱۴۰۰)
 a) honest b) physical c) suitable d) repeated

جاهای خالی را با دانش زبانی خود کامل کنید. (اولین حرف و تعداد حروف داده شده است.) ۱۲

146. I will do anything in my p - - - - to help you.
147. Farmers grow r - - - in the north of our country.
148. "Despite" means without taking any n - - - - - of
149. To learn English well, you need to p - - - - - a lot.
150. Did you know that hydrogen and oxygen f - - - water?
151. The streets were dark and q - - - - . There were no cars and buses around.

Reading

متن‌های زیر را بخوانید و به سوالات داده‌شده پاسخ مناسب بدهید. ۱۳

Languages of the World

Language is a system of communication. It uses written and spoken forms. People use language to communicate with each other in a society. They exchange knowledge, beliefs, wishes, and feelings through it.

Questions:

152. What is a language?
153. Why do people use a language?
154. What do people do through a language?

True / False:

155. The underlined word "they" refers to "the languages" in the passage.

Languages vary greatly from region to region. They are so different that a person may not understand the language of someone from another region, country or continent. It is not surprising to hear that today about 7000 languages exist in the world. There are more than 2000 languages in Africa, 1000 in the Americas, more than 2250 in Asia, about 230 in Europe, and more than 1300 in Oceania.

True / False:

156. There are more than 7000 languages in the world.
157. Europe has the least languages in the world.
158. A word which means "be different from".
159. Asia has the most languages in the world.

Native speakers of these languages range in number from very large, with hundreds of millions of speakers, to very small, with fewer than 10 speakers. The most popular language in the world is Chinese.

Questions:

160. Do all languages have the same number of speakers?
161. What is the most popular language in the world?



More than one billion people in the world speak Chinese. Interestingly, English has fewer native speakers than Chinese, but there are about one billion learners of English all around the world. They learn English as an international language.

Questions:

162. How many people in the world speak Chinese? _____ .
163. Does English have as many native speakers as Chinese? _____ .
164. Which language has the most learners in the world? _____ .

About fifty percent of the world's languages have fewer than 5000 speakers. In the beginning of the twenty-first century, 204 languages had fewer than 10 speakers and 344 languages had between 10 and 99 speakers. The 548 languages with fewer than 99 speakers make up nearly 8 percent of the world's languages. We call them 'endangered languages'. As the speakers of such languages grow old and die, their languages will die, too.

Scan the passage for the following numbers:

165. The number of languages with speakers fewer than 10 (_____)
166. The percent of endangered languages (_____)
167. The number of languages with speakers fewer than 99 (_____)

All languages are really valuable, despite their differences. Every language is an amazing means of communication that meets the needs of its own speakers. It is impossible to imagine the world without language. Therefore, we should respect all languages, no matter how different they are and how many speakers they have.

True / False:

168. We should have a high value of all languages. (_____)
169. Some languages are more valuable than the others. (_____)
170. Imagining the world without languages is impossible. (_____)
171. Not all languages can meet the needs of their own speakers. (_____)

● ● ● ● Grammar, See Also, Listening and Speaking, Writing, What You Learned ● ● ● ●

۱۴ در هر بخش جاهای خالی را با کلمات داده شده کامل کنید. (یک کلمه اضافی است.)

(simple / appropriate / borrow / create / fall / kind / receives / remember / sleep / sing / type / capital / extra)

172. This kind of bird does not _____ at all.
173. An object is a noun that _____ an action.
174. We need enough _____ to have a healthy life.
175. Scientists ask people to be _____ with the nature.
176. Do you know what makes things _____ on the ground?
177. As far as I can _____, John is from England.
178. Can I _____ your book? I will give it back in two days.
179. At last, I understood what _____ of sugar I needed to buy!
180. A sentence begins with a _____ letter and ends with a period.
181. We should take _____ action to develop our vocabulary.
182. The problems were so _____ that we could solve them in a minute.
183. We needed _____ information on the new disease which was spreading.

● ● ● ● Grammar ● ● ● ●

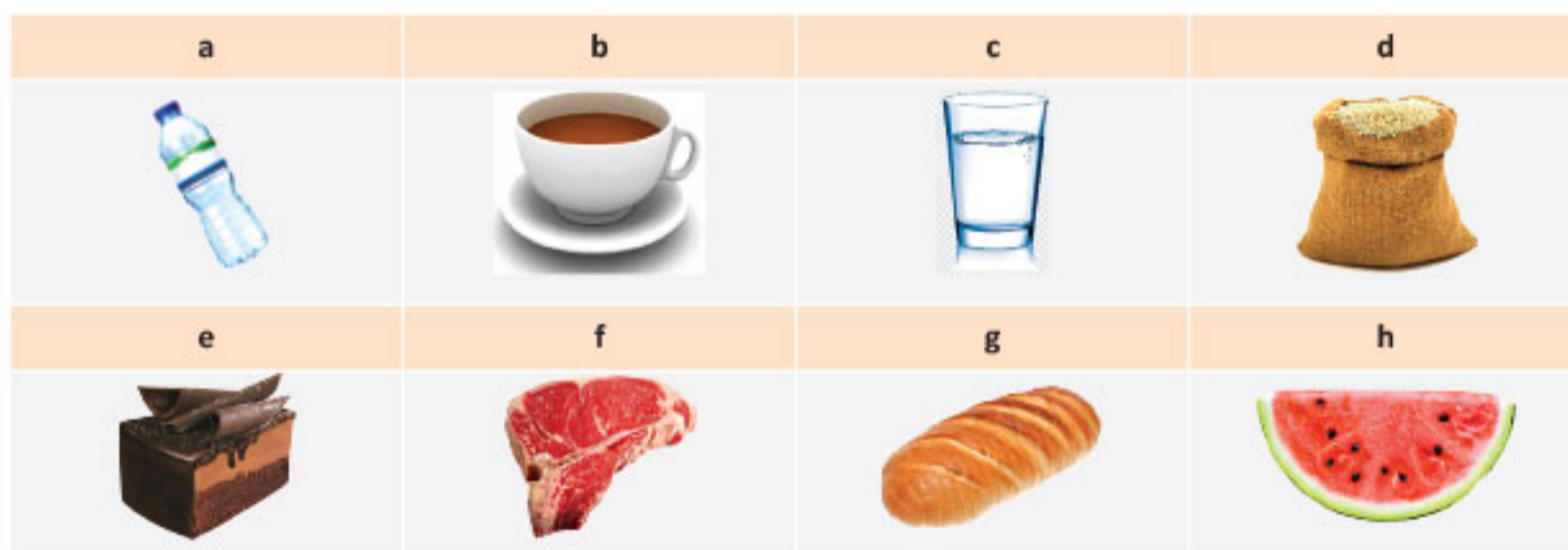
۱۵ متن زیر را بخوانید و از نظر گرامری کلمه مناسب را انتخاب کنید.

- An endangered language is a language that has very 184. _____ (few / a few) speakers. Nowadays, many languages are losing their native 185. _____ (speaker / speakers). When a language dies, the knowledge and culture disappear with it. A lot of endangered languages are in Australia and South America. Some of them are in Asia and Africa. The number of live languages of the world 186. _____ (are / is) around 7000, and many of them may not exist in the future.
187. _____ (Much / Many) researchers are now trying to protect endangered languages. This can save 188. _____ (lots of / many) information and cultural values of people all around the world.

۱۶ شکل صحیح کلمات داخل پرانتز را بنویسید.

189. She is a _____ girl. (ten years old)
 190. She needs two hundred American _____. (dollar)
 191. China makes up 18 _____ of the world's population. (percent)
 192. Hundreds of _____ of speakers speak English. (million)
 193. Today about 7000 languages _____ in the world. (exist)
 194. There are two _____ books in this school library. (thousand)
 195. There are many uncountable _____ for food in English. (word)
 196. There are two _____ of bread on the table. (loaf)
 197. You can find different _____ of birthday candles in this store. (type)
 198. Do you know that more than one billion people in the world _____ Chinese? (speak)

۱۷ تصاویر را مقابل واحدهایشان بنویسید.



199. _____ : a slice of watermelon
 200. _____ : a cup of tea
 201. _____ : a piece of cake
 202. _____ : a loaf of bread
 203. _____ : a bottle of water
 204. _____ : a kilo of meat
 205. _____ : a bag of rice
 206. _____ : a glass of water

۱۸ اعداد را به شکل حروف در جدول بنویسید.

207. 1 =	208. 2 =	209. 3 =	210. 4 =
211. 5 =	212. 6 =	213. 7 =	214. 8 =
215. 9 =	216. 10 =	217. 11 =	218. 12 =
219. 13 =	220. 14 =	221. 15 =	222. 16 =
223. 17 =	224. 18 =	225. 19 =	226. 20 =
227. 25 =	228. 30 =	229. 40 =	230. 50 =
231. 60 =	232. 70 =	233. 80 =	234. 90 =
235. 100 =	236. 35 =	237. 99 =	238. 200 =
239. 1,000 =	240. 1,000,000 =	241. 1,000,000,000 =	



۲۵ با نوشتن فاعل مناسب جملات زیر را کامل کنید.

294. _____ is one of my best teachers.
 295. A _____ runs faster than a mouse.
 296. Every night, _____ exercise for 30 minutes.
 297. Many _____ live in this forest.

۲۶ با نوشتن فعل مناسب جملات زیر را کامل کنید.

298. The child _____ loudly.
 299. Shayan _____ always kind to his sister.
 300. We _____ for hours.
 301. The museum _____ at 8 a.m.

۲۷ با نوشتن مفعول مناسب جملات زیر را کامل کنید.

302. They will meet _____ .
 303. Ali and I bought _____ .
 304. We are going to learn _____ .
 305. Children should not eat _____ .

۲۸ برای ایجاد جملات صحیح، کلمات را مرتب کنید.

306. borrowed / I / that book / .
 307. is going / she / the TV / to turn on / .
 308. can / learn / we / a new language / .
 309. sang / a song / my grandfather / .

۲۹ کلمات داخل پرانتز را به جمله اضافه کنید و جمله را مجدداً بازنویسی کنید.

310. Ali will have an exam. (next week)
 311. Zahra studies English. (at school)
 312. I saw my teacher. (in the street / yesterday)
 313. We visit our grandmother on Fridays. (usually)
 314. My brother can speak French. (fluently)

۳۰ جملات زیر را بخوانید و مطابق مثال داده شده در آن‌ها subject, verb, object و AI را مشخص کنید.

Example: She studies English at school every week.

She (S) studies (V) English (O) at school (AI / Place) every week (AI / Time). AI: Additional Information

315. On weekends, I read storybooks.
 316. I usually get good grades.
 317. Last night, my mother made cookies.
 318. My friends take photographs of animals.
 319. I have a math class on Wednesdays.

What You Learned

۳۱ متن زیر را بخوانید و به سوالات خواسته شده پاسخ دهید.

Last year I traveled to a foreign country. I was there the whole summer. In the first week of my trip, I went to a store to buy groceries. I needed some cheese, some milk, some rice, and some sugar. I also needed some fruit and potatoes. I was walking around the store for one hour and finally I found everything I wanted and bought them all. The only thing I was still looking for was a bag of sugar. There were four types of sugar. I picked the bags and read the explanations. Honestly, I didn't understand their differences. A young man came to me and asked what I wanted. I told him I needed some sugar for breakfast. He gave me some information. Again, I didn't understand the differences. I took pictures of the explanations, sat somewhere, and checked the explanations in my mobile dictionary. At last, I understood what type of sugar I needed to buy!

320. Where was the writer the whole summer? _____
 321. Why did he go to the store? _____



True / False

322. He bought four types of sugar.
323. The writer was able to understand what type of sugar to buy.
324. Which of the following is **wrong** according to the passage?
- By means of his mobile phone, he bought what he wanted.
 - The young man helped him to buy what he wanted.
 - He was traveling in a foreign country.
 - This passage has a happy ending.

متن های تالیفی

متن شماره (۱): متن زیر را بخوانید و به سوالات آن پاسخ دهید.

I had an amusing experience last year. After I had left a small village in the south of France, I drove on to the next town. On the way, a young man waved to me. I stopped and he asked me for a lift. As soon as he had got into the car, I said good morning to him in French and he **replied** in the same language. Apart from a few words, I do not know any French at all. Neither of us spoke during the journey. I had nearly reached the town, when the young man suddenly said, very slowly, 'Do you speak English?' As I soon learnt, he was English himself!

wave	lift	apart from	neither	journey
دست تکان دادن	سواری	بجز	هیچ یک	سفر

325. Where was the driver from?
326. Was the young man from France?
327. Were they busy talking during the journey?

True / False

328. Both the driver and the young man were from England.
329. The underlined word "reply" means "answer".

متن شماره (۲): متن زیر را بخوانید و به سوالات آن پاسخ دهید.

I arrived in London at last. The railway station was big, black and dark. I did not know the way to my hotel, so I asked a porter. I not only spoke English very carefully, but very clearly as well. The porter, however, could not understand me. I repeated my question several times and at last he understood. He answered me, but he spoke neither slowly nor clearly. 'I am a foreigner', I said. Then he spoke slowly, but I could not understand him. My teacher never spoke English like that! The porter and I looked at each other and smiled. Then he said something and I understood it. 'You'll soon learn English!' he said. I wonder. In England, each man speaks a different language. The English understand each other, but I don't understand them! Do they speak English?

arrive	porter	neither nor	clearly
رسیدن	باربر	نه ... نه ...	به طور واضح

330. How was the railway station?
331. How did the porter speak English?
332. Who said, "I am a foreigner"?.

True / False

333. The porter could not speak English well.
334. The writer was good at speaking English.



درس دوم

A Healthy Lifestyle



Lesson 2

Student Book



برای دریافت پاسخ پرسش‌های کتاب درسی این QR-Code را اسکن کنید!



مشاوره:

سلام دانش آموزان عزیز:

بخش گرامر درس ۲ خیلی راحت و آسان است. پاسخ اکثر سوالات این بخش (verb+ing) است چون به نکات موضوع درس (اسم مصدر) مربوط می‌شود. سوالات این بخش به صورت چهارگزینه‌ای، داخل پرانتز و مرتب کم‌دنی می‌آید. در بخش واژگان که حدود ۵ تا ۶ نمره امتحان به آن تعلق دارد، کافی است لغات طلایی مکالمه و لغات و اصطلاحات را که تعدادشان چندان زیاد نیست، بلد باشید. با همین لغات می‌توانید به انواع سوالات پاسخ دهید. درک مطلب هم پر سوال و پر نمره است و از طریق اسکن کردن متن می‌توانید نمره عالی کسب کنید.

Vocabulary

لغات



Title Page, Get Ready, Conversation

• a bit (modifier)	مقداری، کمی	• increase (v.)	افزایش یافتن / دادن	• problem (n.)	مسئله
• all right (adj.)	بسیار خوب	• jog (v.)	پیاده روی، آهسته دویدن	• pyramid (n.)	هرم
• below (adv.)	زیر	• laughter (n.)	خنده	• quince(n.)	میوه به
• candy (n.)	آبنبات، شکلات	• lifestyle (n.)	سبک زندگی	• rarely (adv.)	به ندرت
• carrot (n.)	هویج	• medicine (n.)	دارو، پزشکی	• really (adv.)	واقعاً
• climb (v.)	بالا رفتن	• member (n.)	عضو	• risk (n. v.)	خطر، خطر کردن
• depressed (adj.)	افسرده، آشفته	• move (v.)	حرکت کردن، حرکت دادن	• sport (n.)	ورزش
• exercise (n. v.)	تمرین، ورزش کردن	• movies (n.)	فیلم‌ها	• sportsperson (n.)	ورزشکار
• favorite (adj.)	دلخواه، مطلوب، موردعلاقه	• neighbor (n.)	همسایه	• surf (v.)	گشت‌وگذار کردن
• frequency (n.)	تکرار	• nope (adv.)	نوج، نه	• technology (n.)	تکنولوژی، فناوری
• heart (n.)	قلب	• onion (n.)	پیاز	• weekend (n.)	پایان هفته
• healthy (adj.)	سالم	• prefer (v.)	ترجیح دادن	• win (v.)	پیروز شدن
• improve (v.)	بهبود یافتن، بهبود دادن	• physical (adj.)	فیزیکی، جسمانی		



Collocations

• below average (col.)	زیر متوسط (میانگین)	• healthy diet (col.)	رژیم غذایی سالم	• chemistry problem (col.)	مسئله شیمی
• climb the mountain (col.)	بالا رفتن از کوه	• higher education (col.)	تحصیلات عالی	• math problem (col.)	مسئله ریاضی
• come on (phr. v.)	بجنب، بی‌خیال	• junk food (col.)	هله هوله	• sport events (col.)	رویدادهای ورزشی
• couch potato (col.)	معتاد تلویزیون	• healthy lifestyle (col.)	سبک زندگی سالم	• surf the net (col.)	گشت‌وگذار در اینترنت
• do exercise (col.)	ورزش کردن	• teach medicine (col.)	آموزش پزشکی	• on weekends (col.)	در پایان هفته‌ها
• adverb of frequency (col.)	قید تکرار	• club member (col.)	عضو باشگاه	• win the game (col.)	پیروز شدن در بازی
• gain weight (col.)	وزن زیاد کردن	• team member (col.)	عضو تیم	• win the match (col.)	پیروز شدن در مسابقه
• learn by heart (col.)	از بر کردن، از حفظ کردن	• neighboring country (col.)	کشور همسایه		
• hang out (phr. v.)	چرخ زدن، وقت گذراندن	• physical activity (col.)	فعالیت فیزیکی، بدنی		



New Words and Expressions, Reading, Vocabulary Development

• addiction (n.)	اعتیاد	• guess (n. v.)	حدس، حدس زدن	• prefix (n.)	پیشوند
• amount (n.)	مقدار	• habit (n.)	عادت	• prepare (v.)	مهیا کردن
• anyone (pron.)	هر کس، هر شخصی	• happen (v.)	اتفاق افتادن	• prevent (v.)	پیشگیری کردن
• aunt (n.)	عمه، خاله	• harmful (adj.)	مضر	• relationship (n.)	رابطه
• balanced (adj.)	متعادل	• heartbeat (n.)	تپش قلب، ضربان قلب	• replay (v.)	باز پخش کردن
• calm (adj.)	آرام	• homeless (adj.)	بی‌خانمان	• research (n.)	تحقیق
• certain (adj.)	مطمئن، خاص	• the homeless (n.)	بی‌خانمانان	• rewrite (v.)	بازنویسی کردن
• communicate (v.)	ارتباط برقرار کردن	• however (conj.)	هرچند	• sadly (adv.)	متأسفانه
• contain (v.)	حاوی (چیزی) بودن	• hurt (v.)	صدمه زدن	• scanner (n.)	اسکنر
• creation (n.)	خلقت، آفرینش	• incomplete (adj.)	ناقص	• serving (n.)	پرس غذا، وعده غذا
• cultural (adj.)	فرهنگی	• incorrect (adj.)	نادرست	• slowly (adv.)	به آرامی
• dangerous (adj.)	خطرناک	• image (n.)	تصویر	• smoking (n.)	سیگار کشیدن
• death (n.)	مرگ	• impossible (adj.)	غیر ممکن	• snack (n.)	غذای مختصر
• decrease (n. v.)	کاهش، کاهش یافتن	• information (n.)	اطلاعات	• special (adj.)	مخصوص
• detail (n.)	جزئیات	• invitation (n.)	دعوت	• strategy (n.)	راهبرد، استراتژی
• different (adj.)	متفاوت	• line (n.)	خط	• suffix (n.)	پسوند
• disagree (v.)	هم عقیده نبودن، مخالف بودن	• manner (n.)	رفتار، منش	• title (n.)	عنوان
• disorder (n.)	اختلال	• meaning (n.)	معنی	• towards (prep.)	به سمت، به
• dislike (v.)	دوست نداشتن	• message (n.)	پیام	• translator (n.)	مترجم
• discuss (v.)	بحث کردن	• measure (n. v.)	اندازه‌گیری، اندازه‌گیری کردن	• understand (v.)	فهمیدن
• disease (n.)	بیماری	• midday (n.)	وسط روز	• unfortunately (adv.)	متأسفانه، بدبختانه
• effective (adj.)	موثر	• middle (n.)	میانه، وسط	• unimportant (adj.)	غیر مهم، بی‌اهمیت
• factor (n.)	عامل	• midterm (n.)	میان ترم	• unsafe (adj.)	ناامن
• famous (adj.)	مشهور	• natural (adj.)	طبیعی	• useful (adj.)	مفید
• emotion (n.)	عاطفه	• necessary (adj.)	ضروری	• vegetable (n.)	سبزی
• emotional (adj.)	عاطفی	• part (n.)	بخش	• without (prep.)	بدون
• enjoy (v.)	لذت بردن، بهره بردن از	• photo (n.)	عکس	• rainy (adj.)	بارانی
• exist (v.)	وجود داشتن	• plan (n.)	طرح، برنامه	• recent (adj.)	جدید، اخیر
• feel (v.)	احساس کردن	• powerful (adj.)	قدرتمند	• reality (n.)	واقعیت
• future (n.)	آینده	• praying (v.)	نماز خواندن	• relate (v.)	ربط دادن
• fully (adv.)	کاملاً	• predict (v.)	پیش بینی کردن	• relative (n.)	خویشاوند
• general (adj.)	عمومی، کلی				

Collocations

• addiction to technology (col.)	اعتیاد به تکنولوژی	• be busy with (phr. v.)	مشغول بودن با	• calm manner (col.)	منش (اخلاق) آرام
• adjective maker (col.)	صفت‌ساز	• blood donation (col.)	اهدای خون	• certain things (col.)	چیزهای خاص
• adverb maker (col.)	قیدساز	• blood pressure (col.)	فشار خون	• certain TV programs (col.)	
• at the beginning of (col.)	در آغاز	• blood group (col.)	گروه خونی		برنامه‌های تلویزیونی خاص
• balanced servings (col.)	وعده غذایی متعادل	• blood sample (col.)	نمونه خون	• communicate (v.)	ارتباط برقرار کردن
• be added to (phr. v.)	اضافه شده	• be frightened to death (col.)	ترسیدن در حد مرگ	• contain water (col.)	حاوی آب بودن
				• correct amount (col.)	مقدار صحیح



• cultural events (col.)	وقایع فرهنگی	• (be) harmful to (col.)	مضر بودن برای	• pay attention to (col.)	توجه کردن به
• cause serious problems (col.)	مشکلات جدی ایجاد کردن	• healthy diet (col.)	رژیم غذایی سالم	• photo dictionary (col.)	فرهنگ لغت تصویری
• certain to happen (col.)	حتمی الوقوع	• heart attack (col.)	حمله قلبی	• take photos (col.)	عکس گرفتن
• daily exercise (col.)	تمرین روزانه	• homemade dishes (col.)	غذای خانگی	• key point (col.)	نکته کلیدی
• (be) different from (col.)	متفاوت بودن از	• hurt sb's feelings of (col.)	احساسات کسی را جریحه دار کردن	• predict the future (col.)	پیش بینی کردن آینده
• mental disorder (col.)	اختلال روانی	• identify the topic (col.)	شناسایی کردن موضوع	• prevent from (phr. v.)	پیشگیری کردن از
• rare disease (col.)	بیماری نادر	• mental image (col.)	تصویر ذهنی	• preventive action (col.)	اقدام بازدارنده
• heart disease (col.)	بیماری قلبی	• wrong image (col.)	تصویر نادرست	• rainy weather (col.)	هوای بارانی
• do exercise (col.)	تمرین کردن، ورزش کردن	• in this way (col.)	بدین روش	• read quickly (col.)	سریع خواندن
• effective way (col.)	روش موثر	• stand in line (col.)	در صف ایستادن	• in reality (col.)	در واقعیت
• each other (pronoun)	همدیگر، یکدیگر	• live longer (col.)	طولانی تر عمر کردن	• emotional relationship (col.)	رابطه عاطفی
• family health history (col.)	تاریخچه سلامت خانواده (سابقه سلامت خانواده)	• main idea (col.)	ایده اصلی	• do research (col.)	تحقیق کردن
• feel happy (col.)	احساس شادی کردن	• exact meaning (n.)	معنی دقیق	• research into (col.)	تحقیق کردن درباره
• feel well (col.)	حال خوبی داشتن	• opposite meaning (col.)	معنی عکس (مخالف)	• skim a passage (col.)	سریع خواندن یک متن
• future plans (col.)	طرح های آینده	• natural science (col.)	علوم تجربی (طبیعی)	• special diet (col.)	رژیم غذایی مخصوص
• fully developed (col.)	کاملاً توسعه یافته	• natural disaster (col.)	بلاایای طبیعی	• special illness (col.)	بیماری خاص
• general idea (col.)	ایده کلی	• noun maker (col.)	اسم ساز	• such as (col.)	مانند
• in general (col.)	به طور کلی	• play a part in (col.)	نقش ایفا کردن در	• take care of (phr. v.)	مراقبت کردن از
• general health (col.)	سلامت عمومی			• think of (phr. v.)	فکر کردن به
• habitual action (col.)	کار از روی عادت				



Grammar, See Also, Listening and Speaking, Pronunciation, Writing, What You Learned

• affirmative (adj. n.)	مثبت	• firefighter (n.)	آتش نشان	• preposition (n.)	حرف اضافه
• against (prep.)	برخلاف	• forbid (v.)	ممنوع کردن	• properly (adv.)	به طور صحیح
• antibiotics (n.)	آنتی بیوتیک	• develop (v.)	توسعه دادن، گسترش دادن	• quit (v.)	رها کردن، دست کشیدن از
• anti-cancer (adj.)	ضد سرطان	• forget (v.)	فراموش کردن	• rethink (v.)	باز نگارش، مجدداً فکر کردن
• asleep (adj.)	خواب، خوابیده	• goal (n.)	هدف	• researchers (n.)	محققین
• case (n.)	مورد	• hiking (n.)	کوه پیمایی، پیاده روی طولانی	• secret (n.)	راز
• century (n.)	قرن	• gerund (n.)	اسم مصدر	• seem (v.)	به نظر رسیدن
• common (adj.)	مشترک، رایج	• imagine (v.)	تصور کردن	• singular (adj.)	مفرد
• confuse (v.)	گیج کردن	• influence (n. v.)	تأثیر، تأثیر گذاشتن	• sit down (phr. v.)	نشستن
• describe (v.)	توصیف کردن	• laptop (n.)	لپ تاپ	• situation (n.)	وضعیت
• emergency (n.)	اضطراری، اورژانس	• later (adv.)	بعداً	• social (adj.)	اجتماعی
• especially (adv.)	مخصوصاً	• mission (n.)	ماموریت	• still (adv.)	هنوز
• excellent (adj.)	عالی	• notice (n.)	تابلو	• unhealthy (adj.)	ناسالم
• everywhere (adv.)	هر کجا، همه جا	• plural (adj.)	جمع	• useful (adj.)	مفید



Collocations ● ● ●

● prevent accident (col.) پیشگیری کردن از تصادف	● health condition (col.) شرایط سلامت، وضعیت سلامتی	● normal life (col.) زندگی نرمال
● play an active role in (col.) نقش فعالی را ایفا کردن	● cure patients (col.) درمان بیماران	● of course (col.) البته
● against the law (col.) برخلاف قانون	● developed country (col.) کشور پیشرفته	● pair up (phr. v.) جفت شدن
● anti-cancer drug (col.) داروی ضد سرطان	● developing country (col.) کشور در حال توسعه	● past experience (col.) تجربه گذشته
● appropriate stress pattern (col.) الگوی استرس مناسب	● fight disease (col.) مبارزه کردن با بیماری	● present progressive (col.) حال استمراری
● attend a Spanish class (col.) حضور در کلاس اسپانیایی	● find keys (col.) یافتن کلیدها	● behave properly (col.) رفتار صحیح داشتن
● attend events (col.) شرکت کردن در رویدادها	● for no good reason (col.) بدون هیچ دلیل خوبی، بی خود و بی جهت	● put on weight (col.) وزن زیاد کردن
● be born into / in (col.) متولد شدن در	● for a long time (col.) برای مدت طولانی	● read poems (col.) خواندن شعر
● be good at (phr. v.) خوب بودن در	● get a job (col.) به دست آوردن شغل	● recreational activities (col.) فعالیت‌های تفریحی
● be interested in (phr. v.) علاقه‌مند بودن به	● get away (phr. v.) دور شدن	● regular exercise (col.) ورزش مرتب
● be tired of (phr. v.) خسته شدن از	● get up (phr. v.) برخاستن (از خواب)	● rush to (phr. v.) هجوم آوردن به، عجله داشتن
● start a business (col.) شروع یک تجارت	● give up (phr. v.) دست برداشتن از، ترک کردن	● scientific movies (col.) فیلم‌های علمی
● call back (phr. v.) تلفن زدن به	● achieve goal (col.) رسیدن به هدف	● singular noun (col.) اسم مفرد
● carry values (col.) به ارزش‌ها پایبند بودن	● go away (phr. v.) دور شدن	● sleep disorder (col.) اختلال در خواب
● carry stress (col.) حامل استرس (تأکید) بودن	● grow up (phr. v.) بزرگ شدن	● spend one's time (col.) گذراندن زمان خود
● change people's habits (col.) تغییر دادن عادات مردم	● heart disease (col.) بیماری قلبی	● social behavior (col.) رفتار اجتماعی
● check in (phr. v.) تحویل گرفتن اتاق در هتل	● human body (col.) بدن انسان	● suggest a title (col.) پیشنهاد کردن یک عنوان
● come back (phr. v.) برگشتن	● hurry up (phr. v.) عجله کردن	● That's the point! نکته اینجاست!
● have something in common (col.) دارای مشترکات بودن، وجه اشتراک داشتن	● join the Fire Service (col.) پیوستن به سرویس آتش‌نشانی	● take care of (col.) مراقبت کردن
● do homework (col.) انجام دادن تکالیف	● in one's free time (col.) در اوقات فراغت خود	● take part in (col.) شرکت کردن در
● do daily workouts (col.) انجام ورزش‌های روزانه	● keep on (phr. v.) ادامه دادن	● take a singular verb (col.) فعل مفرد گرفتن
● easy moves (col.) حرکات آسان	● leave a message (col.) پیام گذاشتن	● take time (col.) زمان بردن
● exciting job (col.) شغل هیجان‌انگیز	● look after (phr. v.) مراقبت کردن از	● technological invention (col.) اختراع تکنولوژیکی
● football match (col.) مسابقه فوتبال	● look back (phr. v.) به پشت سر نگاه کردن، به گذشته اندیشیدن	● think about (phr. v.) فکر کردن درباره
● for sure (col.) به‌طور مطمئن، حتماً	● lose weight (col.) از دست دادن وزن	● turn off (phr. v.) خاموش کردن
	● make noise (col.) سر و صدا کردن	● turn round (phr. v.) چرخیدن، دور زدن
	● mobile phone (col.) تلفن همراه	● wake up (phr. v.) بیدار کردن / شدن
	● not at all (col.) اصلاً	● washing machine (col.) ماشین لباسشویی
		● watch out (phr. v.) مراقب بودن

Grammar

دستور زبان

ابتدا با زمان حال کامل (ماضی نقلی) و طرز ساخت و نشانه‌های آن آشنا می‌شویم. در بخش See Also افعال دو کلمه‌ای (Phrasal Verbs) را بررسی می‌کنیم. در بخش نگارش (Writing) به اسم مصدر (Gerunds) می‌پردازیم و تفاوت Gerunds را با زمان حال استمراری بیان می‌کنیم.

حال کامل

● زمان حال کامل (Present Perfect Tense) دلالت بر انجام کاری دارد که در گذشته اتفاق افتاده است و اثر آن تا زمان حال باقی است.
طرز ساخت: (have / has) + p.p. (past participle) + فاعل



نشانه‌های زمان حال کامل

since / for / during / recently / just / ever / already / never / yet

بین خورمون نمونه: برای راحتی کار من یک مخفف بی‌مزه درست کرده‌ام به نام صفر جنی sfdrjeany که از قرار دادن حروف اول کلمات بالا درست شده است. البته در کتاب درسی‌تان فقط for, ever, yet و since آمده‌اند.

توضیح: بعد از since به معنی «از» هم می‌توان جمله‌ای در «زمان گذشته» آورد، هم «سالی در گذشته» و هم «عبارت زمانی مربوط به گذشته». همچنین می‌توان آن را حرف اضافه در نظر گرفت و پس از آن فعل به شکل ing دار (اسم مصدر) آورد.

She has lived in this city since _____ .

- ✓ she was born
- ✓ 1387
- ✓ ten years ago
- ✓ leaving her country
- I have taught English since I was 20 years old.

مثال:

ترجمه:

• من از زمانی که بیست سال داشتم، (زبان) انگلیسی تدریس کرده‌ام.

توضیح: for به معنی «برای، به مدت» است و برای بیان طول مدت انجام کاری استفاده می‌شود.

- for (two months / the whole winter / a long time / ...)

ترجمه:

• برای (دو ماه / کل زمستان / زمانی طولانی / ...)

- I have worked in this factory for a long time.

مثال:

ترجمه:

• من مدت زیادی در این کارخانه کار کرده‌ام.

توضیح: during به معنی «در طی، در طول» است و طول مدت انجام کاری را بیان می‌کند و فقط ویژه زمان حال کامل نیست.

- They have employed many workers in this factory during the last five months.

مثال:

ترجمه:

• آنها طی پنج ماه گذشته کارگران زیادی را در این کارخانه استخدام کرده‌اند.

توضیح: recently به معنی «اخیراً» و مترادف lately است. هر دوی آن‌ها اغلب در انتهای جمله به کار می‌روند.

- Scientists have done a new research recently.

مثال:

ترجمه:

• دانشمندان اخیراً تحقیق جدیدی انجام داده‌اند.

توضیح: just به معنی «به تازگی / اخیراً» است و بین have / has و قسمت سوم فعل (p.p) می‌آید.

- She has just bought an expensive house.

مثال:

ترجمه:

• او به تازگی یک خانه گران قیمت خریده است.

توضیح: ever به معنی «تا به حال» می‌باشد و در جملات سؤالی حال کامل می‌آید. به ترتیب ابتدا Have / Has، سپس فاعل و بعد ever و در نهایت قسمت سوم فعل (p.p) می‌آید.

- Have you ever seen a living dinosaur?

مثال:

ترجمه:

• آیا تا به حال یک دایناسور زنده دیده‌اید؟

توضیح: already به معنی «قبلاً» است و بیانگر انجام کاری قبل از موعد و زمان مقرر می‌باشد و بین have / has و قسمت سوم فعل قرار می‌گیرد.

- Erfan: Don't forget to post the letter.

مثال:

Mostafa: I have already posted it.

ترجمه:

• عرفان: فراموش نکن که نامه را پست کنی.

مصطفی: من قبلاً آن را ارسال کرده‌ام.



توضیح: never به معنی «هرگز» است و بین have / has و قسمت سوم فعل (p.p) می‌آید و فقط در جملات خبری به کار می‌رود تا به آن‌ها مفهوم منفی بدهد. البته never را می‌توان در زمان‌های دیگری مثل حال ساده هم به کار برد.

• She has never travelled to any foreign countries. That's why she is very excited.

مثال:

ترجمه:

• او هرگز به هیچ کشور خارجی سفر نکرده است. به همین دلیل او بسیار هیجان‌زده است.

توضیح: yet به معنی «هنوز، تاکنون» است و در جملات سؤالی و منفی حال کامل در انتهای جمله می‌آید.

• Bita: Have you received the parcel yet?

مثال:

Sanaz: No, I haven't received it yet.

ترجمه:

• بیتا: تاکنون بسته را دریافت کرده‌ای؟

ساناز: نه، هنوز آن را دریافت نکرده‌ام.

سؤالی کردن و منفی کردن حال کامل چگونه است؟

• برای سؤالی کردن حال کامل کافی است که جای have / has را با فاعل عوض کنیم و برای منفی کردن not را به have / has اضافه کنیم.

• The students have finished their homework.

مثال:

• **Question:** Have the students finished their homework?

• **Negative:** The students have not finished their homework.

ترجمه:

• دانش‌آموزان تکالیف خود را به پایان رسانده‌اند.

• سوال: آیا دانش‌آموزان تکالیف خود را تمام کرده‌اند؟

• منفی: دانش‌آموزان تکالیف خود را تمام نکرده‌اند.

سؤالی کردن جملات حال کامل با کلمات پرسشی چگونه انجام می‌شود؟

ابتدا کلمه پرسشی را می‌آوریم، سپس فعل‌های have / has و بعد فاعل و در آخر هم قسمت سوم فعل (p.p) و بقیه جمله.

Wh-questions + have / has + فاعل + p.p + ... ?

• Amir has written a letter.

مثال:

What has Amir written?

ترجمه:

• امیر نامه نوشته است.

امیر چه نوشته است؟

توضیح: کلمات پرسشی‌ای که در پاسخ به سؤالات درک مطلب هم اهمیت زیادی دارند در جدول زیر آمده‌اند:

کلمه پرسشی			
Who	چه کسی؟	What	چه چیز؟ چه چیز را؟
Where	کجا؟	When	کی؟ چه موقع؟
Which	کدام؟	How many	چه تعداد؟
How often	هر چند وقت یک بار؟	Whom	چه کسی را؟
How much	چه مقدار؟	Whose	مال چه کسی؟
How long	چه مدت؟	What time	چه ساعتی؟

توضیح: از کلمه پرسشی Who به معنی «چه کسی» برای سؤال درباره هویت اشخاص استفاده می‌شود و برای سؤالی کردن این جملات کافی است که در ابتدای جمله به جای فاعل از Who استفاده کنیم.

• Mr. Ashoori has taught us English.

مثال:

Who has taught you English?

ترجمه:

• آقای عاشوری به ما انگلیسی یاد داده است.

چه کسی به شما انگلیسی یاد داده است؟

توضیح: از کلمه پرسشی What به معنی «چه، چه چیزی» برای سؤال درباره فاعل و مفعول غیر انسان استفاده می‌شود.

• Zahra has washed the dishes so far.

مثال:

What has Zahra washed so far?

ترجمه:

• زهرا تا الان ظرف‌ها را شسته است.

زهرا تاکنون چه شسته است؟



مثال:

● The heater has warmed the room.

What has warmed the room?

ترجمه:

● بخاری اتاق را گرم کرده است.

چه چیزی اتاق را گرم کرده است؟

توضیح: از کلمه پرسشی **When** به معنی «چه زمان / چه موقع» برای سؤال درباره زمان انجام کاری استفاده می‌شود.

مثال:

● Shabnam has bought an English dictionary recently.

When has Shabnam bought an English dictionary?

ترجمه:

● شب‌نم اخیراً یک فرهنگ لغت انگلیسی خریده است.

شب‌نم کی فرهنگ لغت انگلیسی خریده است؟

توضیح: از کلمه پرسشی **Which** به معنی «کدام» برای سؤال درباره اطلاعات خاص و معین و یا درخواست معرفی و کسب اطلاعات بیشتر استفاده می‌شود.

مثال:

● Manchester United has won the football match.

Which team has won the football match?

ترجمه:

● منچستر یونایتد در مسابقه فوتبال پیروز شده است.

کدام تیم برنده مسابقه فوتبال شده است؟

توضیح: از کلمه پرسشی **How many** به معنی «چند عدد» برای سؤال درباره تعداد استفاده می‌شود و کلماتی که تعداد را بیان می‌کنند از جمله حذف می‌شود.

? + فعل اصلی + فاعل + فعل کمکی + اسم جمع قابل شمارش + How many

مثال:

● Amin has bought 12 candles for his birthday party.

How many candles has Amin bought for his birthday party?

ترجمه:

● امین برای جشن تولدش ۱۲ شمع خریده است.

امین برای جشن تولدش چند شمع خریده است؟

توضیح: از کلمه پرسشی **How long** به معنی «چه مدت» برای سؤال درباره طول مدت انجام کاری استفاده می‌شود.

مثال:

● He has lived in this city for ten years.

How long has he lived in this city?

ترجمه:

● او ده سال در این شهر زندگی کرده است.

او چه مدت در این شهر زندگی کرده است؟

توضیح: از کلمه پرسشی **How often** به معنی «چند وقت یک بار» برای سؤال درباره تعداد دفعات انجام کاری به کار می‌رود و با استفاده از

{once, twice, three times, many times, ...} به آن پاسخ می‌دهیم.

once	twice	three times	many times	several times
یک بار	دو بار	سه بار	بارها	چندین بار

مثال:

● I go to the doctor twice a year.

How often do you go to the doctor?

ترجمه:

● سالی دوبار به پزشک می‌روم.

چند وقت یک بار به دکتر می‌روید؟

توضیح: از کلمه پرسشی **Whom** به معنی «چه کسی را، به چه کسی» برای سؤال درباره مفعول انسان استفاده می‌شود.

مثال:

● They have met the president at the airport.

Who(m) have they met at the airport?

ترجمه:

● آن‌ها با رئیس جمهور در فرودگاه ملاقات کرده‌اند.

آن‌ها چه کسی را در فرودگاه ملاقات کرده‌اند؟



توضیح: از کلمه پرسشی **Whose** به معنی «مال چه کسی» برای سؤال درباره مالکیت انسان استفاده می‌شود.

- She has borrowed her friend's car.

Whose car has she borrowed?

مثال:

ترجمه:

- او ماشین دوستش را قرض گرفته است.
- او ماشین چه کسی را قرض گرفته است؟

See Also

افعال دو کلمه‌ای (Phrasal Verbs)

این افعال از یک فعل و حرف اضافه تشکیل شده‌اند. برخی از این افعال که در کتاب شما آمده‌اند عبارت‌اند از:

1 call back: مجدداً تماس گرفتن، در پاسخ به تماس کسی تماس گرفتن

- Would you like to leave a message? No, I'll **call back** later.

مثال:

ترجمه:

- آیا می‌خواهید پیامی بگذارید؟ نه، بعداً دوباره تماس خواهم گرفت.

2 check in: تحویل گرفتن اتاق (در هتل)، اعلام رسیدن و پذیرش شدن (در فرودگاه، هتل و ...)

- Have you **checked in**? Oh, yes. I am in my room now.

مثال:

ترجمه:

- آیا اتاق را تحویل گرفته‌اید؟ آه، بله. من الان در اتاقم هستم.

3 get up: برخاستن از خواب

- When did you **get up**? Early in the morning.

مثال:

ترجمه:

- کی بلند شدی؟ صبح زود.

4 give up: دست کشیدن از، ترک کردن

- Has your father **given up** smoking? Yes, he knows smoking is harmful to his health.

مثال:

ترجمه:

- آیا پدرتان سیگار کشیدن را ترک کرده است؟ بله، او می‌داند که سیگار کشیدن برای سلامتی‌اش مضر است.

5 grow up: بزرگ شدن

- Did she go to school in Karaj? No, she **grew up** in Lavasan.

مثال:

ترجمه:

- آیا او در کرج به مدرسه رفت؟ نه، او در لواسان بزرگ شد.

6 hurry up: عجله کن

- **Hurry up!** We're late.

مثال:

ترجمه:

- عجله کن! دیرمان شده.

7 look after: مراقبت کردن از

- Sara **looked after** us very well. She's an excellent nurse.

مثال:

ترجمه:

- سارا خیلی خوب از ما مراقبت کرد. او یک پرستار عالی است.

8 turn off: خاموش کردن

- **Turn off** the washing machine. It's making too much noise.

مثال:

ترجمه:

- ماشین لباسشویی را خاموش کنید. خیلی سر و صدا می‌کند.

9 wake up: بیدار شدن

- James usually **wakes up** early. But today he's still asleep.

مثال:

ترجمه:

- جیمز معمولاً زود از خواب بیدار می‌شود. اما امروز او هنوز خواب است.



۱۰ watch out: مواظب بودن

مثال:

ترجمه:

• مواظب باش! داری می‌افتی.

۱۱ come back: برگشتن

مثال:

ترجمه:

• پدرم ماه گذشته از مکه به خانه برگشت.

۱۲ sit down: نشستن

مثال:

ترجمه:

• تو زمان زیادی داری. چرا نمی‌نشینی و استراحت نمی‌کنی؟

۱۳ go away: دور شدن، بیرون رفتن

مثال:

ترجمه:

• یک ساعت بیرون رفت و بعد با یک کیلو گوشت برگشت.

۱۴ take care: مراقب بودن

مثال:

ترجمه:

• ما باید مراقب حیات وحش باشیم.

۱۵ get away: دور شو!

مثال:

ترجمه:

• دور شو! نمی‌خواهم دوباره ببینمت.

۱۶ turn round: چرخیدن، دور زدن

مثال:

ترجمه:

• مینا چرخید تا ببیند چه کسی پشت سر او نشسته است.

• Watch out! You are falling.

• My father came back home from Mecca last month.

• You have a lot of time. Why don't you sit down and relax?

• He went away for an hour and then came back with a kilo of meat.

• We should take care of the wildlife.

• Get away! I don't want to see you again.

• Mina turned round to see who was sitting behind her.

Writing

نگارش

در چه مواردی اسم مصدر (Gerund) می‌آید؟

اسم مصدر از (verb + ing) ساخته می‌شود و در موارد زیر کاربرد دارد:

۱ در جایگاه فاعل: اسم مصدر می‌تواند در جایگاه فاعل جمله قرار بگیرد.

مثال:

ترجمه:

• تمرین بسیار سخت زبان انگلیسی شما را بهبود خواهد بخشید.

مثال:

ترجمه:

• شنا کردن برای همه مفید است.

مثال:

ترجمه:

• خواندن به ما کمک می‌کند زبان انگلیسی را یاد بگیریم.

• Practicing very hard will improve your English.

• Swimming is useful for everyone.

• Reading helps us learn English.

* **بین خورمون بمونه:** یک اسم مصدر همیشه مفرد است. وقتی یک اسم مصدر فاعل جمله باشد، فعل به شکل مفرد می‌آید اما وقتی دو اسم مصدر فاعل را تشکیل دهند، فعل به شکل جمع می‌آید.

• Doing daily exercises makes me feel happy.

مثال:

ترجمه:

• انجام تمرینات روزانه باعث ایجاد احساس شادی در من می‌شود.



- Cycling and jogging are my favorite sports.

مثال:

ترجمه:

● دوچرخه‌سواری و دویدن ورزش‌های مورد علاقه من هستند.

نکته: گاهی اوقات یک اسم به دنبال یک اسم مصدر می‌آید:

مثال:

- Playing football was his fun.
- Taking photos is her hobby.
- Learning a language takes time.

ترجمه:

● فوتبال بازی کردن سرگرمی او بود.

● عکس گرفتن سرگرمی اوست.

● یادگیری زبان زمان می‌برد.

۲ در جایگاه مفعول: بعد از افعال زیر، اسم مصدر می‌آید. در واقع اسم مصدر، نقش مفعول را دارد.

enjoy	لذت بردن	finish	تمام کردن
give up	دست کشیدن از	imagine	تصور کردن
keep on	ادامه دادن	practice	تمرین کردن
quit	رها کردن، دست کشیدن از	love	دوست داشتن
mind	اهمیت دادن		

- I can't imagine living without the Internet nowadays!

مثال:

ترجمه:

● نمی‌توانم زندگی بدون اینترنت را در این روزها تصور کنم!

- We had to practice running several weeks before the race.

مثال:

ترجمه:

● چندین هفته قبل از مسابقه باید دویدن را تمرین می‌کردیم.

۲ در تابلوها، شما اغلب می‌بینید NO را به همراه اسم مصدر (فرم‌های ing) آورده‌اند: به این معنی که انجام آن اسم مصدر در آن محل ممنوع است. به عنوان مثال، No Fishing یعنی «ماهیگیری ممنوع».

- The sign says, "No Parking!"

مثال:

ترجمه:

● تابلو می‌گوید: «پارک (کردن) ممنوع!».

۴ ما معمولاً از (go + verb + ing) برای توصیف فعالیت‌های تفریحی استفاده می‌کنیم.

- The weather was so good that we planned to go swimming.

مثال:

ترجمه:

● هوا آن قدر خوب بود که برنامه‌ریزی کردیم شنا کنیم.

go fishing:	به ماهی‌گیری رفتن	go skating:	به اسکیت سواری رفتن
go sailing:	به کشتی‌رانی رفتن	go skiing:	به اسکی رفتن
go jogging:	به پیاده‌روی رفتن	go running:	به دو رفتن
go swimming:	به شنا رفتن	go boating:	به قایق‌سواری رفتن
go shopping:	به خرید رفتن		

۵ بعد از حروف اضافه فعل به شکل اسم مصدر (gerund) می‌آید.

{ after / at / on / from / for / of / in / with / before / without / since / } + verb + ing

مثال:

- Parastoo is good at speaking and writing German.
- Alice is interested in playing tennis.
- What do you think about living in a village?
- Nancy and Margaret have plans for doing their homework soon.
- I am tired of washing the dishes.

ترجمه:

- پرستو در صحبت کردن و نوشتن به زبان آلمانی خوب است.
- آلیس به بازی تنیس علاقه‌مند است.
- نظر شما درباره زندگی در روستا چیست؟
- نانسی و مارجارت برنامه‌هایی برای زود انجام دادن تکالیف خود دارند.
- من از شستن ظرف‌ها خسته شده‌ام.

۶ **بین خورمون بمونه:** اگر to به اصطلاحی چسبیده باشد، بعد از آن فعل به شکل ing دار می‌آید ولی اگر معنی «به جهت» و «به منظور» داشته باشد، بعد از آن فعل به شکل ساده می‌آید.

مثال:

1. She is used to drinking tea.
2. He went to Shiraz to visit historical sites.

ترجمه:

- ۱) او به نوشیدن چای عادت دارد.
- ۲) او جهت دیدن اماکن تاریخی به شیراز رفت.

تفاوت اسم مصدر و زمان‌های حال و گذشته استمراری چیست؟

کاربرد اسم مصدر (v + ing) را در موارد بالا برشمردیم. اما فعل زمان گذشته و حال استمراری در ساختار be + v + ing می‌آید. البته در این گونه جملات، ترجمه کردن مهم است.

- They were watching a football match when I called.

مثال:

ترجمه:

- وقتی (آن‌ها را) صدا زدم آن‌ها داشتند فوتبال تماشا می‌کردند.

- My favorit sport is swimming.

مثال:

ترجمه:

- ورزش دلخواه من شنا کردن است.

Exam Questions

سؤالات امتحان

- • • • • Title Page, Get Ready, Conversation • • • • •

۱ در هر بخش، جاهای خالی را با کلمات داده‌شده کامل کنید. (در هر بخش، یک کلمه اضافی است.)

(education / hang out / healthy / improve / increase / match / medicine)

375. Sitting a lot will health risks.
376. They with their friends on Fridays.
377. Laughter is the best for your health.
378. People with higher usually live longer.
379. If you want to be, you must do regular exercise.
380. Our health can when we visit our friends and family members.